

بسمه تعالی

## عدالت از منظر قرآن و اندیشه رسول الله (ص)

عدالت زیباترین واژه ای است که بشر با آن آشنا بوده و در عین حال بسیار مظلوم واقع شده است. زیرا همه از عدالت سخن می گویند ولی در تحقق آن، گویا عده ای به جنگ با عدالت رفته اند. لذا انبیاء الهی مهمترین رسالت اجتماعی خود را اجرای عدالت، صلح و دوستی میان بشریت قرار داده اند. از جمله آن پیامبران بزرگ، حضرت عیسی (ع) و حضرت محمد (ص) می باشد.

به نظر می رسد تأمل بیشتر در این مقوله از ضرورت‌های دیروز، امروز و فردای جامعه بشری است. قرآن کریم به عنوان کتاب مقدس مسلمانان و معجزه جاودان پیامبر اعظم (ص) مسأله عدالت را از مهمترین مسائل جامعه بشری قرار داده و لذا این واژه به صورت تنهایی و مجرد و بدون مشتقات آن چهارده بار و در دوازده آیه از هفت سوره قرآن به کار رفته است<sup>۱</sup>، مشتقات این واژه در مجموع بیست و پنج بار از یازده سوره قرآن آمده است. مانند: "فعدلک" (یک بار)، "لأعدل" (یک بار)، "تعديل" (یک بار)، "تعدلوا" (چهاربار)، "یعدلون" (پنج بار) و "اعدلوا" (دو بار). و واژه "قسط" که در معنا شبیه "عدل" است به صورت تنها ۱۵ مورد و در پانزده آیه از ده سوره قرآن آمده است. مشتقات این واژه عبارتند از: "تسقطوا" (دو بار)، "اقسطوا" (یک بار)، "القاسطون" (دو بار)، "اقسط" (دو بار) و "المقسطين" (سه بار). به طور کلی، بیست و دو آیه از پانزده سوره در این مورد است.

عدل، عدالت و قسط در لغت به معانی متعددی به کار رفته چون داد، قسمت، سهم، انصاف، اعتدال، تعادل، استحقاق، مساوات، حق، راستی، میانه روی، وسط، قصد، نامی از نامهای پروردگار، عالم، دادگری<sup>۲</sup> و در بعضی از کتب لغت در تعریف عدل آمده است: عدل آن چیزی است که در نظر انسان ها دارای استقامت و راستی می باشد.

"عدل" مفهوم مقابل "جور" است<sup>۳</sup> و به معنای دادگری، انصاف<sup>۴</sup> تعدیل، تقویم - استقامت الخلق - ضد ظلم: داد، انصاف، داوری، ضد ظلم، دادگر، منصف، مستقیم الخلق، سر راست، درست، عادلانه، منصفانه<sup>۵</sup> آمده است.

<sup>۱</sup> محمدفواد عبدالباقی المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم القاعدة مطبقة دارالکتب المهدیه ۱۳۶۴ ق ذیل واژه «ع د ل» صص ۴۴۹-۴۴۸

<sup>۲</sup> سوره بقره (۲): ۴۸، ۱۲۳، ۲۸۲ (دو بار)؛ سوره نساء (۴): ۵۸؛ سوره مائده (۵): ۹۵ (دو بار) و ۱۰۶؛ سوره انعام (۶): ۷۰ و ۱۱۵، سوره نحل (۱۶): ۷۶ و ۹۰؛ سوره حجرات (۴۹): ۹ و سوره طلاق (۶۵): ۲۰.

<sup>۳</sup> رک. احمد سیاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین، ترجمه النجد، تهران: انتشارات اسلام، بی تا، ج ۲، صص ۱۰۱۷-۱۰۱۶

<sup>۴</sup> ابن منظور، لسان العرب ج ۹ ص ۸۳

<sup>۵</sup> خلیل الجر، فرهنگ لاروسی، ج ۲ ص ۱۴۳۰

<sup>۶</sup> فرهنگ نوین (عربی- فارسی) ترجمه سید مصطفی طباطبایی، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیة ۱۳۵۸ ش ص ۴۲۸

و به طور کلی مفهوم عدل را می توان از مجموع آن چه که درباره آن گفته شده به معنای راست روی، استقامت و طریقه مستقیم دانست چه این که برخی از مفسران صراط و صراط المستقیم را به عدالت تفسیر کرده اند. لذا عدالت حرکت در مسیر مستقیم و متناسب با فطرت و ساختار حقیقی وجود و انسان است به همین جهت در این نگرش، عدل همچنین به معنای برابری، نفی تبعیض، رعایت استحقاقها و عطا کردن به هر ذیحق آنچه که استحقاق دارد و نیز به معنای «رعایت استحقاقها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه درست-» و «قراردادن هر چیز در جای حقیقی خود» و جز آن آمده است<sup>۱</sup>

مسأله قسط و عدل که پایه و اساس زندگی اجتماعی بشری برآن بنا شده، مهمترین آرمان انسان ها در طول تاریخ بوده است. و این گرایش، فقط به عنوان یک نیاز و خواسته آدمی نیست بلکه شأنی از شئون فطری و عقل اوست که انسانیت او بدان معنا پیدا می کند.

عدالت فضیلتی است که جامعه انسانی در صورتی که از آن برخوردار باشد به استقامت، برابری، اعتدال و آزادی دست می یابد و در صورتی که جامعه از این حقیقت بی بهره باشد، موجب تبعیض، ستم، فساد و فقدان صلح و دوستی خواهد شد؛ و در این هنگام جامعه ای مبتنی بر نابرابری، تبعیض، بی عدالتی و ناهمگونی می گردد. در سایه عدالت است که جامعه عدالتخواه، و قوانین آن عدالت پرور خواهد شد.

عدالت و صلح و دوستی مهمترین رسالت اجتماعی همه پیامبران الهی بوده است و لذا قرآن کریم می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»<sup>۲</sup>

از این رو یکی از والاترین هدفهای ادیان الهی تحقق قسط و عدل در جامعه بشری و در نفس آدمیان بوده است و ما بر این باوریم که عدل و قسط به زندگانی بشر معنا و مفهوم می دهد.

با بررسی بخشی از مصادیق عدل در قرآن کریم به این مهم دست می یابیم که توسعه معنایی عدالت تمام مسائل مربوط به انسان را در بر می گیرد. به گونه ای که از فکر و اخلاق تا مسائل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را شامل شده است. لذا مناسب است به شکلی گذرا برخی از مصادیق را ذکر نمائیم:

۱. طرح مسأله اعتدال و میانه روی در زندگی و در اداره امور فردی و اجتماعی: به عنوان نمونه در سوره فرقان آیه ۶۷ می فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» و کسانی که چون انفاق می کنند، به اسراف روا نمی دارند و خست نمی ورزند؛ بلکه میان این دو (روش حد وسط را بر می گزینند).»

۲. تکیه بر مشورت و مشاورت در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه و بهره مندی از عقول دیگران.

۳. حمایت از حقوق بشر و حقوق محرومان و مستضعفان، زنان، یتیمان و سایر اقشار ضعیف جامعه و نیز حقوق اعضاء و جوارح انسان.

<sup>۱</sup> مرتضی مطهری، عدل الهی، صص ۷۳-۶۶ و جهان بینی اسلامی، ۳، (عدل الهی و قضاو قدر)، تهران: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، ۱۳۷۷، ص ۱۵  
<sup>۲</sup> سوره حدید(۵۷): آیه ۲۵

۴. نفی هر گونه سلطه طلبی و طغیان در حوزه اقتصاد، سیاست و فرهنگ.
۵. نفی استکبار، خودخواهی، خودپسندی، غرور و تعصبات بیجا
۶. نفی تجمل پرستی، دنیا گرایی، اسراف
۷. حمایت از حقوق حیوانات و گیاهان و اشیاء.
۸. همدردی با ستمدیدگان و ضعفای جامعه و یاری آنها.
۹. امانتداری حتی در مورد کافران.
۱۰. خدمت به خلق و جهاد برای رهایی آنان از سلطه دیگران و از ستم ستمگران و ارائه نظریه جهاد رهایی بخش
۱۱. نفی هر گونه تبعیض
۱۲. رعایت عدالت در حکومت بر جامعه و عدالتگری و دادخواهی مظلومان
۱۳. نهی از خوردن اموال یکدیگر به ناحق؛ "ولا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل"<sup>۱</sup>
۱۴. استقامت در سیر حق و حقیقت؛ "فاستقیم کما أموت"<sup>۲</sup>
۱۵. روی نیاوردن به طاغوتها در داوری و حکمیت؛ "یریدون ان یتحاکموا الی الطاغوت و قد أمروا ان یکفروا به"<sup>۳</sup>
۱۶. رعایت عدالت در برخورد با مخالفان؛ "ولا یجر منکم سناؤ قوم علی آلا تعدلوا، اعدلوا هو اقرب للتعوی"<sup>۴</sup>
۱۷. نهی از خوردن مال یتیم
۱۸. نهی از فساد در زمین؛ "و یفسدون فی الارض"<sup>۵</sup>
۱۹. نهی از ارتکاب گناه، تمایل به زشتی و منکرات چون قتل نفس، سرقت و ...
۲۰. نهی از یاری کردن به ستمگران؛ "و لا ترکنوا الی الذین ظلموا"<sup>۶</sup>
۲۱. شکستن عمد و قطع آنچه خداوند فرمان به پیوند آن داده است؛ "والذین ینقضون عهد الله بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به ان یوصل"<sup>۷</sup>
۲۲. نهی از غل و خیانت و ارتشاء دشحت و جز آن؛ "و ما کان لنبی ان یغل و من یغلل یات بما غل یوم القیامه"<sup>۸</sup>

۱ سوره بقره (۲)، آیه ۱۸۸  
 ۲ سوره هود (۱۱)، آیه ۱۱۲  
 ۳ سوره نساء (۴)، آیه ۶۰  
 ۴ سوره مائده (۵)، آیه ۸  
 ۵ سوره رعد (۱۳)، آیه ۲۵  
 ۶ سوره هود (۱۱)، آیه ۱۱۳  
 ۷ سوره رعد (۱۳)، آیه ۲۵  
 ۸ سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۶۱

آن چه را که یادآوری شد نمونه ای از سفارشات قرآن کریم به مسأله عدالت است و البته برای اجرائی کردن آن، قرآن راهکارهای لازم را ارائه می دهد و این طور نیست که فقط به نیکی بودن آن رأی دهد بلکه تک تک افراد جامعه را موظف می کند تا درصدد تحقق عدالت به معنای واقعی در ابعاد مختلف باشند.

### عدالت در اندیشه حضرت محمد (ص)

با توجه به این که موضوع سمینار درباره منجی بشریت از دیدگاه اسلام و مسیحیت است، مناسب است دیدگاه پیامبر اسلام (ص) درباره موضوع سخنرانی اینجانب مورد بررسی قرار گیرد تا بیشتر با اندیشه های آن انسان الهی و نجات بخش بشریت آشنا شویم.

به اعتقاد ما رسول خدا (ص) خود عدل مجسم بود و در نگاه آن پیامبر الهی عدالت، محور و بنیان هستی است. به گونه ای که آفرینش آسمان ها و زمین بر اساس عدل استوار شده است و در بیان خود آن حضرت آمده که فرمود: «و بالعدل قامت السموات و الارض<sup>۱</sup>».

بر این اساس عدل پایه خلقت و آفرینش است و با عدل همه چیز معنا و تحقق می یابد. زیرا به واسطه عدل توازن و تعادل و تناسب در خلقت جهان نشان از بنای عالم است و ادامه زندگانی هر موجود زنده ای بر مبنای عدل بوجود آمده و لذا هر کدام به سوی کمال مطلوب خود در سیر و حرکت اند و خدای متعال به صورت تکوینی و بر اساس عدل همه چیز را هدایت کرده، چه این که قرآن کریم می فرماید: «الَّذِي خَلَقَ فَسْوَىٰ وَ الَّذِي قَدَّرَ فَهْدَىٰ<sup>۲</sup>» (او پروردگاری است) که آفرید و تناسب و تعادل را برقرار ساخت. و کسی است که اندازه گیری کرد و پس از آن را هدایت نمود.»

و لذا پیامبر اکرم (ص) عدل را میزان و معیار خداوند در زمین قرار داده و تمسک به آن را عامل نجات آدمیان مقرر داشت. «العدل میزان الله في الارض فَمَنْ اخَذَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَمَنْ تَرَكَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ<sup>۳</sup>» و بر همین پایه است که از نظر رسول خدا (ص) عدالت معیار تمامی امور فردی و جمعی، معنوی، مادی، جسمانی و روحانی، سیاسی و غیر سیاسی است و باید در احساس، اندیشه، گفتار، کردار و رفتار تجسم یابد و انسان و جامعه، عادلانه احساس کنند، و عادلانه بیندیشند. عادلانه سخن بگویند و عادلانه رفتار کنند و به طور خلاصه در همه امورات حیات بشری عدل باید حکمفرما باشد. و لذا خداوند متعال فرمود: «اذا حکمتم فاعدلوا = وقتی داوری یا حکومت می کنید پس به عدل رفتار نمایید.»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> محسن فیض کاشانی، تفسیر الصافی، بیروت: مؤسسه الاعلی للمطبوعات، الطبقة ثانیة ۱۴۲ هـ ۱۹۸۲ م ج ۵ ص ۱۰۷

<sup>۲</sup> سوره اعلی (۸۷): ۲-۳

<sup>۳</sup> میرزا حسن نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل بیت لاحیاء التراث، الطبقة الثانیة ۱۴۰۸ هـ ۱۹۸۸ م ج ۱۱ صص ۳۱۸-

<sup>۴</sup> ۳۱۷ به نقل از قطب راوندی، لب اللباب

<sup>۴</sup> نهج الفصاحه ص ۱۹۲ حدیث ۲۰۰

لذا آدمیان مکلف و موظفند که در هر وضعیت روحی و جسمی عدالت را پیشه خود سازند و در تمام ابعاد زندگی از آن پیروی کنند و لحظه ای از آن عدول نکنند.

### اصول عدالت در اندیشه رسول الله (ص)

برای تحقق عدالت اصولی در بیان رسول خدا (ص) ذکر شد که در این قسمت به برخی از آن پرداخته می شود.

#### ۱- برابری و یکسانی انسان ها در خلقت و وجود.

از منظر رسول خدا (ص) همه انسانها در اصل آفرینش از هر قشری که باشند با هم برابرند و هیچ کس بر دیگری برتری و امتیازی ندارد مگر در تقوی. این نکته را در حجه الوداع فرموده است.

«یا ایها الناس ان ربکم واحدٌ و ان اباکم واحدٌ کلکم من آدم و آدم من تراب لا فضل لعربی علی عجمی الا بالتقوی<sup>۱</sup>»

و در بیانی دیگر می فرماید: «الناس کاسنان المشط = یعنی مردم چونان دانه های شانه با هم برابرند از این رو در دین الهی و در برقراری ارتباط با خدا به طور کلی آدمیان بنده یکسان خدا هستند. زیرا همه آفریده و مخلوق اویند و به تعبیر پیامبر اکرم (ص) همه عیال و کسان خدایند و هیچ تفاوتی میان آنان نیست. «الناس کلهم عیالٌ لله فآحبهم الیه انفعهم لعیاله<sup>۲</sup>»

البته در میان انسان ها هر کسی از شایستگی ها و ظرفیت های وجودی ایمان و تقوی بهره مند شود احساس حضور بیشتری نسبت به خدای خویش دارد.

لازم به ذکر است که مقصود از برابری که به عنوان اصل عدالت شمرده شده، برابری در آفرینش است؛ به این معنا که در اصل آفرینش همه انسانند و هیچ نوع برتری بخاطر سیاهی و سفیدی و عربیت و عجمیت وجود ندارد و این طور نیست که چون او عرب است انسان تر باشد؛ و لذا شرافت و ارزش و برتری در ارزشهای اکتسابی است که آدمیان با اختیار خود به دست می آورند و با این توضیح روشن شد که بر اساس عدل تکوینی همه انسانند و هیچ برتری میان آنان وجود ندارد و هیچ کس نمی تواند و نباید ادعای برتری به خاطر نژادی داشته باشند.

#### ۲- اصل آزادی

از اصول دیگر عدالت از نگاه رسول خدا (ص) برخوردارگی از موهبت بزرگ آزادی است همه انسان ها اختیار دارند که در تغییر و تعیین سرنوشت خود مشارکت داشته باشند و نباید بر آنها چیزی تحمیل شود و نباید کسی را بنده و برده خود دانست و خود را صاحب و حاکم بر انسان، و لذا پیامبر اکرم (ص) در بیانی بسیار زیبا

<sup>۱</sup> ابو محمد حسن بن علی حرانی، تحف العقول، به تصحیح علی اکبر غفاری تهران: کتابفروشی اسلامیه ۱۳۹۸ هـ ص ۳۳

<sup>۲</sup> نهج الفصاحه ص ۷۸۹ حدیث ۳۱۵۰

به این آزادی اشاره می نماید که نباید انسان برای رسیدن به کمال از بیرون و یا از درون در قید و بند موانع قرار گیرد بلکه باید در برابر آن موانع بایستد تا از آزادی اجتماعی و معنوی برخوردار شود.

### ۳- اخوت و برادری میان بشریت

از جمله اصول عدالت اخوت و برادری میان انسان ها است، زیرا انسان ها همه از یک چشمه فیاض سیراب شدند و به آن حقیقت غیر متناهی متصلند و لذا باید یک پیوند الهی میان آن ها حاکم باشد و خود را به همدیگر نزدیک بدانند و در صلح و آرامش در رسیدن به کمالات لازم همت گمارند و آن ها را که مانع راه رسیدن به کمالات مطلوبه هستند از آن جهت که درصدد فاصله انداختن میان این پیوند الهی اند مقابله کنند و اجازه ندهند این صلح و صفا و صمیمیت در میان انسان ها از بین برود. که البته متأسفانه عده ای از حکام خودکامه برای رسیدن به مقاصد و مطامع استعماری خود همواره درصددند که میان انسان ها اختلاف بیندازند و آنان را به مقابله با هم دعوت کنند. و برای رسیدن به این مقصود زمینه های اختلاف و جدایی را میان بشریت به وجود می آورند و لذا باید هوشیارانه این موانع را برداشت و لذا یاری رساندن برادران به همدیگر برای به وجود آوردن جامعه مبتنی بر تعاون و همیاری در همه زمینه ها از شرایط اولیه تحقق عدل در جامعه است. پس آدمیان باید در هر وضعیتی یکدیگر را برادر و نسبت به همدیگر مسئول بدانند. رسول خدا(ص) فرمود: «انصرُ اخاک ظلماً أو مظلوماً ان تکُ ظالماً فارددهُ عن ظلمه و ان یک مظلوماً فانصره»<sup>۱</sup>

### ۴- مردم نگری، دیگر خواهی یا عام نگری

از جمله اصول عدالت در حیات و زندگی انسان ها زنده کردن حسّ دیگرخواهی است و این که انسان آن چه را برای خود می خواهد برای دیگران نیز بخواهد و چیزی را اگر بر خود ناگوار می داند بر دیگران هم ناگوار بداند.

اگر این اصل مورد توجه همه انسان ها قرار گیرد قطعاً مشکلی جامعه انسانی را تهدید نخواهد کرد و هیچگاه برای نابودی یکدیگر توطئه نخواهد کرد و بلکه تصوّر توطئه در ذهن بشر خطور نمی کند. این که چنین پنداری در میان برخی پدید آمده به خاطر انحراف از مسیر عدالت و انسانیت است و چه بسا شاید به دروغ شعار عدالت از طرف عده ای سر داده می شود اما در مقام عمل هیچ همتی از خود نشان نمی دهند. پیامبر خدا(ص) به عنوان منجی بشریت در این زمینه می فرماید: «اعدل الناس من رضى للناس ما یرضى لنفسه و کره لهم ما کره لنفسه»<sup>۲</sup> = یعنی عادلترین مردم آن است که برای مردم همان را پسندد و بدان رضایت دهد که برای

<sup>۱</sup> نهج الفصاحه ص ۲۶۶ ص ۲۶۵ حدیث ۵۶۱

<sup>۲</sup> بحار الانوار ج ۷۷ ص ۱۱۴

نفس خود می پسندد و بر آنان آن چه را برای خود روا نمی دارد روا ندارد و در بیانی دیگر فرمودند بهترین مردم کسی است که بیشتر به آن ها نفع برساند.<sup>۱</sup>»

## ۵- مهرورزی و دوستی با مردم

پنجمین اصل عدالت که مورد تأکید پیامبر خدا حضرت محمد<sup>(ص)</sup> قرار گرفته مهرورزی و دوستی با مردم است و حتی اساس خرد پس از ایمان به خدا را دوستی با مردم و نیکوکاری با افراد نیک و افراد ناشایست دانسته است.<sup>۲</sup> و بدترین مردم را کسی می داند که نسبت به مردم دشمنی ورزد و به آنان بدی روا دارد.<sup>۳</sup>

### خلاصه

خلاصه کلام این که عدل و عدالت، صلح و دوستی در میان بشر از سفارشات جدی پیامبر اعظم<sup>(ص)</sup> است. او مکرر در سخنان خود به این موضوعات اشاره نموده و بیان می فرمود که جامعه بشری بدون عدل به حق و حقوق مسلم خود نمی رسد و لذا باید زمینه تحقق عدالت را در همه ابعاد برای بشر فراهم ساخت تا به کسی ظلم و ستم روا داده نشود. حتی اگر کسی قدم برای یاری به ظالم و ستمگر بر دارد و آن چه را که او بر خلاف عدالت انجام می دهد تأکید کند و یا سکوت نماید آن را مجرم می شمارد و به همه زمامداران و رهبران جوامع بشری سفارش می کند که در هیچ حال بر مردم نباید ستم روا داده شود. بلکه باید در سخن گفتن با مردم جز حقیقت گفته نشود و نیز به وعده هایی که داده می شود وفا کند و هیچگاه تخلف نداشته باشد.<sup>۴</sup>

عدالت در نزد آن پیامبر خدا<sup>(ص)</sup> اینست که هر چیزی در جای خود قرار داده شود و لذا باید در اندیشه، فکر و نگرش مردم را از جهت خلقت و آفرینش با خود یکسان و مساوی بدانیم و خود را به هیچ وجه بر آن ها برتری نبخشیم و این نکته باید جزء باورهای ما باشد تا بر اساس آن در رفتار و کردار و کنش فردی و اجتماعی آن چه را که بر خود می پسندیم بر آنان بیسندیم و آن چه را که بر خود زشت می دانیم بر آنان نیز زشت بدانیم.

به اعتقاد و باور ما حضرت عیسی مسیح<sup>(ع)</sup> هم برای عدالت هم بشریت را به این حق مسلم فرا خواند و هم در برابر کسانی که در برابر عدالت می ایستادند و ظلم و ستم روا می داشتند مقابله و مبارزه کرد و به نظر می رسد این نسبت که حضرت مسیح<sup>(ع)</sup> هیچ عکس العملی در برابر ظلم نداشت صحیح نیست و لذا پیروان آن حضرت و رهبران الهی برای تحقق عدالت در جهان باید در هر جای عالم که ظلم و ستم روا داشته می شود اعتراض کنند و اجازه ندهند که انسان های بی گناه تحت هر شرایطی نابود شوند. و این نکته برای همگان

<sup>۱</sup> نهج الفصاحه ص ۴۶۹ حدیث ۱۵۰۰

<sup>۲</sup> همان صص ۴۹۷-۴۹۶ حدیث ۱۶۳۶

<sup>۳</sup> همان ص ۵۳۵ حدیث ۱۷۹۶

<sup>۴</sup> تحف العقول ص ۵۶، بحار الانوار ج ۷۷ ص ۱۶۲

روشن است و نیازی به استدلال و برهان ندارد که باید عدالت را سرلوحه تمام امور زندگی قرار دهیم. و صلح و دوستی بر پایه عدالت را در جوامع بشری احیاء و زنده نگه داریم و اما این که صلح بدین معنا که در برابر هر ظلم و ستم سکوت روا داریم به هیچ وجه با منطق عقل و خرد سازگار نیست بلکه ما بر این باوریم که این شعار و منطق مخالفان کرامت و عزت انسان در دنیای معاصر است. زیرا باید مردم از حقوق مسلم خود در سرنوشت خویشتن استفاده کنند و نظام کشور خود را افرادی که منتخبشان می باشند مدیریت نمایند.

امید است جوامع بشری سعی کند خود را به رفتار و کردار و فکر و منش پیام آوران الهی چون نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و حضرت محمد (ص) نزدیک نماید تا زمینه تحقق عدالت و برابری و دوستی و مهرورزی به معنای واقعی تحقق یابد و همه بشریت از آثار عدالت بهره مند شوند و بر کسی به هیچ عنوان و در هیچ جای عالم ظلم روا داشته نشود و لاقبل بر اساس اولی ترین شرایط و اصول عدالت حق حیات و زندگی را برای همگان معتقد باشیم.

والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته